

# امام حسین علیه السلام و دفاع از جایگاه رفیع امامت

سید محمد حسین حسینی

«وَاللّٰهُ لَا اَدْعٰكُمْ تَجُرُّونَ اَيْنَ عَمِّي  
ظُلْمًا؛<sup>۱</sup> سوگند به خدا! نمی گذارم پسر  
عموی مرا ظالمانه [به سوی مسجد]  
بکشید.»

و هنگامی که امام علی - علیه  
السلام - از مسجد بیرون آمد فرمود:  
«علی جان! جانم فدای جان تو! و  
جان و روح من سپر بلاهای جان تو!  
یا اباالحسن! همواره با تو خواهم بود.»<sup>۲</sup>

۱. فرهنگ سخنان فاطمه - سلام الله علیها -  
ص ۱۰۶ و شبیه آن در بحار الانوار، ج ۴۳،  
ص ۴۷، ح ۴۶.

۲. کوکب السدري، حائری مازندرانی، ج ۱،  
ص ۱۹۶.

امام حسین - علیه السلام - در  
دامان مادری رشد و نمو کرد که تا پای  
جان از امام خویش و مقام امامت دفاع  
نمود. آن گاه که مهاجمان به سمت  
خانه علی - علیه السلام - هجوم  
آوردند تا علاوه بر غصب امامت، از  
صاحب حق نیز بیعت اجباری بگیرند!!  
فریاد فاطمه - علیها السلام - طنین  
انداز شد:

«اَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ مَاذَا تَقُولُونَ؟  
وَأَيُّ شَيْءٍ تُرِيدُونَ؟ شما ای گمراهان و  
دروغگویان! چه می گوئید و چه می-  
خواهید؟»

و فریاد برآورد:

امام حسین - علیه السلام - در چنین خانه‌ای پرورش یافته و از چنین مادری شیر نوشیده است؛ لذا او نیز چون مادر فداکارش، مدافع ولایت بود و با سخنان خویش مقام امامت را با بیانات و شیوه‌های مختلفی معرفی نمود که برخی را اشاره و بحث می‌کنیم:

#### ۱. ضرورت شناخت امام

امام حسین - علیه السلام - روزی در جمع یاران به پاخواست و پیرامون هدف آفرینش انسان و نقش امامت فرمود:

«أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ... فَقَالَ رَجُلٌ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا مَعْرِفَةُ اللَّهِ؟ قَالَ: مَعْرِفَةُ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِي يَحِبُّ عَلَيْهِمْ طَاعَتَهُ؛<sup>۱</sup> ای مردم، خداوند بندگان را نیافرید مگر برای اینکه او را بشناسند.

۱. علل الشرائع، ابو جعفر صدوق - رحمه الله - ص ۹؛ ر.ک: کنز الفوائد، محمد بن علی کراجکی، ص ۱۵۱؛ بحر المناقب، ابن حسویه، (خطی)، ص ۱۲۸.

یکسی از یاران پرسید: ای فرزند رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - [معنای] شناخت خداوند چیست؟ حضرت فرمود: [شناخت خداوند به این است که] مردم هر زمان، رهبر و امام خویش را بشناسند، امامی که اطاعت او بر آنان واجب است.»

در بیان مذکور حضرت در واقع فلسفه آفرینش را شناخت خداوند که در شناخت امام تبلور یافته معرفی نموده است؛ به این معنا که بدون امام و شناخت امام هر وقت، شناخت خداوند هم انجام نمی‌شود.

#### ۲. پیروی همه موجودات از امام

از امام صادق - علیه السلام - نقل شده:

«عبد الله بن شداد بن هادی به شدت «تب دار» شد، بناچار او را خدمت امام حسین - علیه السلام - بردند. با اشاره‌ای از امام حسین - علیه السلام - «تب شدید» از بدن بیمار، رخت بریست و سلامت را بازیافت. بیمار در حالی که تشکر می‌کرد گفت: از لطف و محبت

شما بحق خوشنود شدم و دیدم که تب  
به فرمان شما از من دور شد.

امام حسین - علیه السلام - فرمود:  
«وَاللَّهِ مَا خَلَقَ اللَّهُ شَيْئاً إِلَّا وَقَدْ أَمَرَهُ  
بِالطَّاعَةِ لَنَا يَا كُنَاسَةَ! ای کناسه! سوگند  
به خدا!!! خداوند پدیده‌ای را نیافرید  
جز آنکه آن را به اطاعت ما، فرمان  
داد.»<sup>۱</sup>

این همان است که در سخنان ائمه  
دیگر بیان شده که امام قطب عالم امکان و  
محور هستی است. اگر لحظه و آنی زمین  
از امام و حجت الهی تهی باشد، زمین با  
اهلش از بین خواهد رفت.»

### ۳. کدام امام؟

«بشرین غالب» به امام حسین -  
علیه السلام - عرض کرد: «معنای این  
آیه (يَوْمَ تَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ)<sup>۲</sup>  
چیست؟

حضرت فرمودند: «نَعَمْ يَا أَخَا بَنِي  
أَسَدٍ هُمْ إِمَامَانِ: امام هدی دعا إلى هدی»

وإمام ضلالة دعا إلى ضلالة، فهدي من  
أجابته إلى الجنة، ومن أجابته إلى النار؛<sup>۳</sup> بله  
برادر اسدی. امام دوگونه است: امام  
هدایت که مردم را به هدایت می‌خواند،  
و پیشوای گمراهی که به سوی گمراهی  
دعوت می‌نماید. هر که امام هدایت را  
اجابت کند او را به بهشت می‌رساند و  
هر که از پیشوای ضلالت پیروی کند او  
را به آتش سوق می‌دهد.»

### ۴. تعداد امامان بحق

۱. امام حسین - علیه السلام -  
فرمود:

«روزی بر رسول خدا - صلی الله  
علیه و آله - وارد شدم. او را غمناک و  
در فکر فرو رفته دیدم. گفتم: ای رسول  
خدا - صلی الله علیه و آله -! چه شده  
است که در فکر فرو رفته ای؟ پاسخ  
داد: ای پسر، همانا جبرئیل نزد من  
آمد و فرمود: «الْعَلِيُّ الْعَلِيُّ يُفْرُتُكَ  
السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ: إِنَّكَ قَدْ قَضَيْتَ

۱. رجال کشی، شیخ طوسی، ج ۱، ص ۲۹۸.

۲. اسراء/۷۱. روزی که هر انسانی را با امامش  
فرامی‌خوانیم.

۳. مقتل الحسین، خوارزمی، ج ۱، ص ۲۲۰ و  
ر.ک: فتوح، ابن اعمش کوفی، ج ۵، ص ۷۷.

تَبُوْنَكَ... فَاجْعَلِ الْأَسْمَ الْأَكْبَرَ وَمِيْرَاثَ الْعِلْمِ وَأَثَارَ عِلْمِ النَّبُوَّةِ عِنْدَ عَلِيٍّ بِنِ ابِي طَالِبٍ فَإِنِّي لَا أَشْرِكُ الْأَرْضَ إِلَّا وَفِيهَا عَالِمٌ يُعْرَفُ بِهِ طَاعِقٌ وَيُعْرَفُ بِهِ وَلَا يُقِي... قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَنْ يَمْلِكُ هَذَا الْأَمْرَ بَعْدَكَ؟ قَالَ: أَبُوكَ عَلِيُّ بْنُ ابِي طَالِبٍ أَخِي وَخَلِيفَتِي وَيَمْلِكُ بَعْدَ عَلِيٍّ الْحَسَنُ ثُمَّ يَمْلِكُ أَنْتَ وَرِسْعَةٌ مِنْ صُلَيْكُ يَمْلِكُكُمْ إِنَّمَا عَشَرَ إِمَامًا، ثُمَّ يَقُومُ قَائِمُنَا يَمْلَأُ الدُّنْيَا قِسْطًا!

خداوند بزرگ و برتر به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: همانا رسالت خود را سپری کرده [و دوران زندگی تو به کمال رسیده است]، پس اسم اعظم و میراث علمی، و آثار علم نبوت را به علی بن ابی طالب و اگذار؛ زیرا زمین را بحال خود رها نمی‌کنم، مگر اینکه همواره عالمی در آن باقی می‌گذارد که به وسیله او راه عبادت و

۱. عوالم، بحرانی، ج ۱۵، ص ۲۲۷؛ و ر.ک: بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۴۵.

بندگی و سرپرستی و رهبری‌ام شناخته می‌شود....

گفتم: ای رسول خدا! چه کسی این امر را پس از شما به دست می‌گیرد؟ پاسخ داد: پدرت علی بن ابی طالب که برادر و جانشین من است. و بعد از علی - علیه السلام - حسن و سپس تو و نه امام که همه از فرزندان تو می‌باشند، دوازده امام، قدرت را به دست خواهند گرفت. سرانجام قائم ما قیام می‌کند و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد.»

شبهه روایت یاد شده به صورتهای مختلف و متعدد از امام حسین - علیه السلام - نقل شده است.<sup>۲</sup>  
**۵. تاکید بر اطاعت محض از امامان معصوم و دفاع از امامت آنها**

۲. ر.ک: همان، ج ۳۶، ص ۲۵۵؛ عوالم، بحرانی، ج ۱۵، ص ۲۲۲ و ۲۳۰؛ ر.ک: اثبات الهداة، حرعاملی، ج ۲، ص ۵۴۵؛ ر.ک: عیون اخبار الامام رضا - علیه السلام - ج ۱، ص ۶۰، ح ۲۵؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۱۳۳؛ ر.ک: بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۱۸۵.

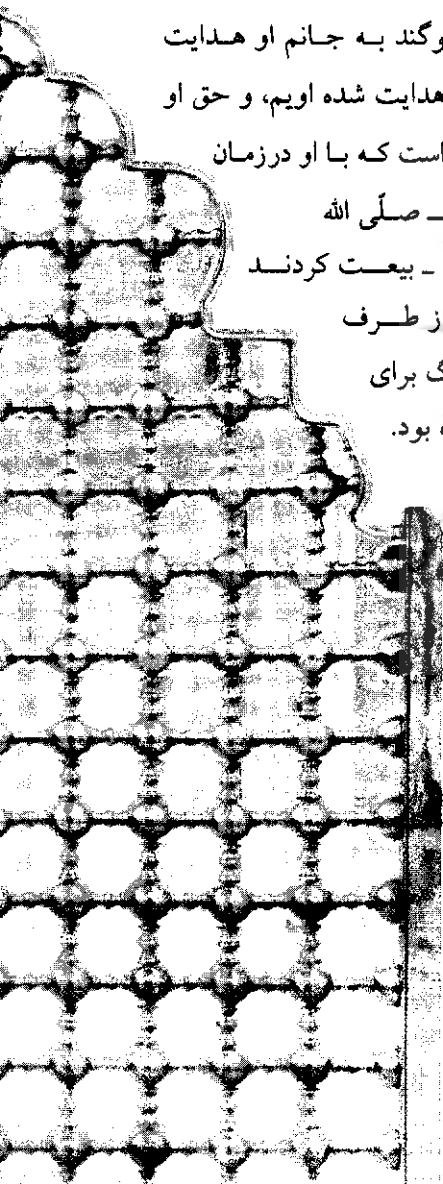
الف. اطاعت از امام علی علیه السلام:

عمر در آغاز خلافت موروثی، روزی بر بالای منبر مدینه سرگرم سخنرانی بود و میدان را خالی دید و خود را با تعریفهای ساختگی مطرح می‌کرد و از آن جمله گفت: «من از مؤمنان، به خودشان سزاوارترم!» امام حسین - علیه السلام - که در سنین نوجوانی بود، وقتی ادعای عمر را شنید برخاست و فریاد زد: «إِنَّزِلْ أَيْهَا الْكَذَّابُ عَنْ مِثْبَرِ أَبِي رَسُولِ اللَّهِ لَا مِثْبَرَ أَيْبِكَ؛ ای بسیار دروغگو! از منبر فرود آی که منبر پدرم رسول خدا است نه منبر پدر تو!» فریاد توبیخ نوجوانی مانند حسین - علیه السلام - برای عمر بسیار تکان دهنده بود؛ زیرا مردم مدینه دهها روایت در فضیلت او می‌دانستند. با فریاد حسین - علیه السلام - اوضاع سیاسی مسجد به گونه‌ای تغییر کرد که عمر نیز چاره‌ای جز سکوت و تصدیق امام حسین نداشت که گفت: «به جانم سوگند! آری! این منبر پدر تو است! نه منبر پدر من!»

عمر گفت: «راستی حسین! چه کسی این سخنان را به تو یاد داده است؟»

امام حسین - علیه السلام - پاسخ داد: «اگر در آنچه پدرم مرا دستور داد تو هم اطاعت کنی، هدایت می‌شوی؛ چه آنکه سوگند به جانم او هدایت کننده و من هدایت شده اویم، و حق او برعهده مردم است که با او در زمان

رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - بیعت کردند و جبرئیل از طرف خداوند بزرگ برای آن نازل شده بود.



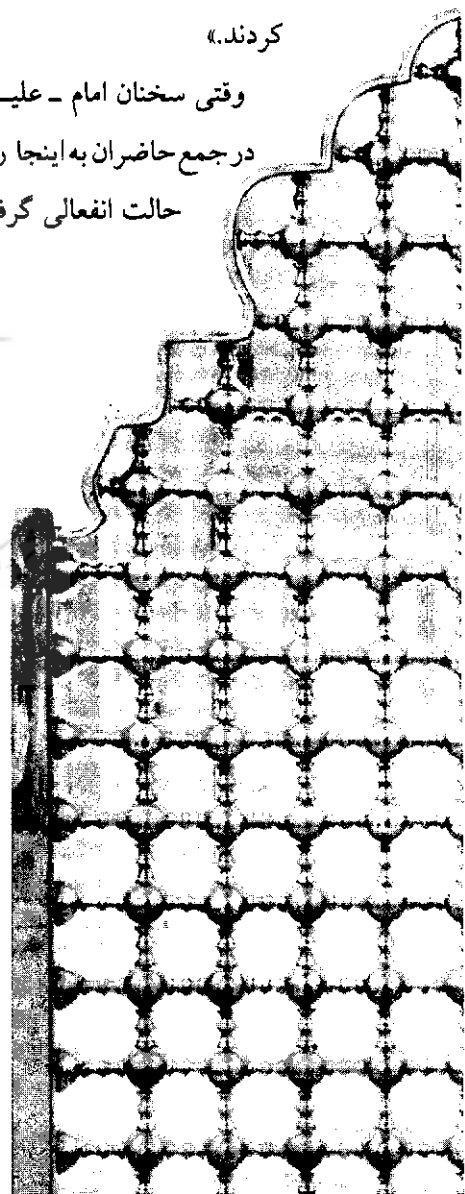
کسی نمی‌تواند بیعت روز غدیر را منکر شود؛ جز آن کس که منکر قرآن است. همانا مردم آن عهد و پیمان را با دل‌های خود شناختند؛ گرچه با زبان‌هایشان انکار کردند. سپس وای بر آنان که حق ما اهل بیت را انکار کردند.»

وقتی سخنان امام - علیه السلام - در جمع حاضران به اینجا رسید، عمر، حالت انفعالی گرفت و گفت:

«ای حسین، کسی که حق پدرت را انکار کند پس لعنت خدا بر او! مردم به ما حکومت دادند و ما پذیرفتیم. اگر خلافت را به پدرت می‌دادند ما نیز اطاعت می‌کردیم!»  
حضرت فرمود:

«ای پسر خطاب! کدام مردم تو را قبل از آنکه ابابکر خلافت را به تو ببخشد، امیر خود ساختند که بر مردم حکومت کنی! بی آنکه دلیلی از پیامبر یا تأییدی از خاندان محمد - صلی الله علیه و آله - داشته باشی، تا خشنودی شما خشنودی محمد باشد یا خشنودی خاندان او مایه رضایت او را فراهم کند؟!»

سوگند به خداوند! اگر زبانها می-توانستند راست بگویند و مؤمنان در عمل همدیگر را کمک می‌کردند، کار به اینجاها نمی‌کشید که حق آل محمد - صلی الله علیه و آله - را غصب کنید و بر بالای منبرشان قرار گیرید، و حاکم مسلمین گردید. قسم به قرآنی که در شأن اهل بیت نازل شد - در حالی که معانی آن را نمی‌شناسی و تفسیر آن را



نمی‌دانی جز آن که صدای آیات قرآن تنها برگوش تو می‌رسد و عبور می‌کند - که خطا کار و درست کردار نزد تو یکسان است.

خدا تو را آن گونه که سزاواری کیفر دهد، و از تو نسبت به آنچه بدعت گذاشتی سؤال فرماید!»

وقتی سخنان امام حسین به این عبارت حساس رسید، عمر چاره‌ای جز فرود آمدن از منبر نداشت!!! آن گاه شتابان در میان جمعی از هواداران خود به سوی خانه امیرالمؤمنین رفت، اجازه گرفت، وارد شد و اظهار داشت:

«ای علی! ما امروز از فرزندت حسین چه ها که نکشیدیم! با صدای بلند در مسجد پیامبر بر سرمان فریاد کشید و مردم مدینه را بر ضد من شوراند.» امیرالمؤمنین - علیه السلام - با کلماتی او را آرام ساخت.<sup>۱</sup>

ب. امام حسن علیه السلام :  
پس از صلح و امضای قراردادنامه،

گروهی از بزرگان شیعه در کوفه مانند سلیمان بن صرد خزاعی و... با امام حسین - علیه السلام - ملاقات کردند و تلاش داشتند صلح امام مجتبی را مخدوش جلوه دهند.

امام حسین - علیه السلام - فرمودند:

«همانا فرمان خدا اندازه معینی دارد و همانا فرمان خدا اجرا شدنی است. من هم مرگ را بر صلح ترجیح می‌دادم، اما برادرم با من صحبت کرد و مصالح مسلمین را طرح فرمود، من هم از او اطاعت کردم، در حالی که گویا با شمشیرها بر بینی من، و با کارد بر قلب من می‌کوبیدند؛ به راستی خدای متعال فرمود: گاهی چیزی را خوش ندارید اما خدا خیر فراوان را در همان قرار داده است<sup>۲</sup> و فرمود: «و گاهی چیزی را خوش ندارید، در حالی که برای شما خیر است و گاهی چیزی

۲. نساء/۱۹.

۱. احتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۱۳؛ رک: امالی،

شیخ طوسی، ج ۲، ص ۳۱۳.

را دوست دارید که برای شما بد است،  
خدا می داند و شما نمی دانید.»<sup>۱</sup>

ج. امام زمان علیه السلام :

۱. «شعیب بن ابی حمزه» نقل می -  
کند:

«روزی بر امام حسین - علیه السلام  
- وارد شدم و پس از سلام و احترام  
لازم پرسیدم: آیا شما «صاحب الامر»  
هستید؟ پاسخ داد: نه. پرسیدم: آیا  
فرزند شماست؟ فرمود: نه. پرسیدم: آیا  
فرزند فرزند شماست؟ پاسخ داد: نه،  
گفتم: پس صاحب الامر کیست؟  
فرمود: الَّذِي يَمْلأُهَا قِسْطًا كَمَا مَلَأْتُ  
جَوْزًا، عَلَى فَتْرَةٍ مِنَ الْأَيْمَةِ تَأْتِي كَمَا أَنَّ  
رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - بُعِثَ  
عَلَيَّ فَتْرَةٌ مِنَ الرَّسُولِ؛ کسی است که  
زمین را پر از عدل و داد می کند؛ چنان  
که پر از ستم شده باشد. پس از آنکه  
دوران طولانی از حضور امامان بگذرد،  
او خواهد آمد؛ چنان که رسول خدا ...

۱. بقره ۲۱۶.

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - پس از آنکه  
دوران طولانی از حضور پیامبران  
آسمانی گذشت مبعوث شد.»<sup>۲</sup>

۲. شخصی پرسید: یا ابا عبدالله! آیا  
حضرت مهدی - علیه السلام - هم  
اکنون متولد شده است؟

امام حسین - علیه السلام - فرمود:  
«لَا وَكَلَّوْا أذْرُكُهُ لَخَدْمَتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي؛<sup>۳</sup> نه،  
اگر او را می یافتم تا زنده بودم، در  
خدمتش بودم.»

۳. حتمی بودن ظهور: امام حسین -  
علیه السلام - فرمود:

«اگر از دنیا یک روز باقی بماند،  
پروردگار قدرتمند و بزرگ، آن روز را  
چنان طولانی خواهد کرد تا مردی از  
فرزندان من قیام کند و جهان را پر از  
عدل و داد نماید؛ چنان که پر از فساد

۲. عقد الدرر، ابن عبدالعزیز مقدسی شافعی،  
(متوفی ۷۰۰ هـ)، ص ۱۵۸.

۳. همان، ص ۱۶۰؛ و ر.ک: غیبه، نعمانی،



و ستمکاری خواهد شد، من این چنین از رسول خدا شنیدم.<sup>۱</sup>

۴. دوران پس از ظهور:

پس از ظهور امام زمان - علیه السلام - و استقرار عدل جهانی و عدالت اقتصادی، هرگونه فقر و نیازی در کره زمین ریشه کن خواهد شد و نیکبها آشکار خواهد گشت.

حضرت ابوعبدالله در پاسخ شخصی که از او پرسید: «پس از ظهور حضرت مهدی - علیه السلام - نیکوکاری چگونه است؟» فرمود:

«الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي كُلِّهِ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ يَقُومُ قَائِمُنَا وَيَدْفَعُ ذَلِكَ كُلَّهُ؛ همه خیرها در آن زمان است که قائم ما قیام می‌کند و همه این زشتیها را از میان برمی‌دارد.»<sup>۲</sup>

و درباره دوران بی‌نیازی مردم پس از ظهور حضرت صاحب الزمان فرمود:

۱. کمال الدین، شیخ صدوق، ص ۳۱۷؛ و ر.ک: بحارالانوار، ج ۱، ص ۵۱ و ص ۱۳۳.
۲. غیبت نعمانی، ص ۲۰۵؛ ر.ک: عقداالدرر، ص ۶۳.

«تَوَاصَلُوا وَتَبَارَكُوا فَوَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسَمَةَ لِيَأْتِيَنَّ عَلَيْكُمْ وَتَمَّتْ لَا يَجِدُ أَحَدًا كُمْ لِدِينَارِهِ وَلَا لِدِرْهَمِهِ مَوْضِعًا؛ با یکدیگر ارتباط داشته باشید و نیکی فراوان کنید. پس سوگند به خدایی که دانه را شکافت و پدیده‌ها را آفرید، زمانی برای شما انسانها فرا خواهد رسید [که همه مردم به گونه‌ای بی‌نیاز باشند] که شما جایی برای بخشش درهم و دینار خود نخواهید یافت.»<sup>۳</sup>

۳. همان، ص ۱۷۱.

